

شناسایی و اولویت‌بندی فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید در ایران؛

مورد مطالعه: تولیدکنندگان شهرستان ابهر

محمد نوروزی،^{۱*} علی افشاری^۲

چکیده

شناسایی فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید، یکی از اقدامات ضروری در راستای توسعه تولید ملی و افزایش توان داخلی است که از یک سو فرصت‌های بیشتری را برای سرمایه‌گذاری افراد در عرصه تولید فراهم می‌سازد و از سوی دیگر از نوسانات و چالش‌های با منشأ غیرتولیدی در عرصه‌های تولیدی جلوگیری می‌کند. در پژوهش حاضر که با روشی ترکیبی (کیفی- کمی) انجام شده است ضمن شناسایی این دسته از فعالیت‌ها در شهرستان ابهر به اولویت‌بندی آن‌ها از منظر فعالان عرصه‌های تولیدی این شهرستان اقدام گردید. به منظور گردآوری داده‌ها، علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی از ابزارهای مصاحبه و پرسش‌نامه و به منظور دسته‌بندی مضامین گردآوری‌شده در مرحله مصاحبه‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد؛ ضمن اینکه برای بررسی فرضیات از آزمون دوجمله‌ای استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد خرید و فروش املاک، مهم‌ترین فعالیت اقتصادی غیرمولد رقیب تولیدی است که توسط تولیدکنندگان این شهرستان مورد استفاده قرار گرفته است ضمن اینکه اشکالات عرصه سیاست‌گذاری و حکمرانی، ریسک بالا و هزینه بالای تولید سه عامل اصلی سرمایه‌گذاری این افراد در فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید بوده است.

کلیدواژه‌ها: تولید، فعالیت غیرمولد رقیب تولید، فعالیت نامولد رقیب تولید، تولید ملی، جهش تولید، شهرستان ابهر.

۱. استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق(ع)، نویسنده مسئول. رایانامه: md.noruzi@gmail.com

۲. کارشناسی‌ارشد معارف اسلامی و مدیریت صنعتی دانشگاه امام صادق(ع). رایانامه: ali.afshari@isu.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

نام‌گذاری‌های سال‌های اخیر و پرداختن به مسئله تولید ملی، رونق، جهش و مانع‌زدایی از آن نشان از اهمیت این موضوع به‌عنوان یکی از چرخ‌دنده‌های اقتصاد کشور از منظر سیاست‌گذاران عالی دارد؛ حال آنکه موضوع تولید ملی تنگناها و چالش‌های مختلفی دارد. چالش‌هایی که گاه ریشه در نوع نگاه‌های فرهنگی-سیاسی افراد دارد و گاه دارای منشأ و ریشه فنی و اقتصادی است که بررسی و پرداخت به آن‌ها از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع علمی و اجرایی کشور است.

در بخشی از بیانات مقام معظم رهبری آمده است که «ما تا به کار ایرانی و سرمایه ایرانی احترام نگذاریم، تولید ملی شکل نمی‌گیرد و اگر تولید ملی شکل نگیرد، استقلال اقتصادی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ و اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد - یعنی در مسئله اقتصاد نتوانست خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد - استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ و اگر استقلال سیاسی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد، بقیه حرف‌ها، جز حرف، چیز دیگری نیست. تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمی‌تواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۲/۱۰). همچنین در پیام نوروزی ۱۴۰۴ ایشان که به نام‌گذاری سال «سرمایه‌گذاری تولید» انجامید، آمده است: «یکی از مسائل مهم اقتصاد در کشور سرمایه‌گذاری‌های تولیدی است. تولید آن وقتی جهش پیدا می‌کند که سرمایه‌گذاری انجام بگیرد. البته سرمایه‌گذاری عمدتاً از سوی مردم باید انجام بگیرد - و دولت شیوه‌های مختلفش را برنامه‌ریزی کند - لکن در آنجایی که مردم یا انگیزه‌ای ندارند یا توانایی سرمایه‌گذاری ندارند، دولت هم می‌تواند در این میدان وارد بشود؛ نه به‌عنوان رقابت با مردم، بلکه به‌عنوان جایگزین مردم؛ آنجایی که مردم نمی‌آیند، دولت وارد میدان بشود و سرمایه‌گذاری کند. به‌هر حال سرمایه‌گذاری تولید یکی از مسائل لازم برای اقتصاد کشور و برطرف کردن مشکل معیشت مردم است. اصلاح معیشت مردم برنامه‌ریزی می‌خواهد لکن این برنامه‌ریزی بدون مقدماتی از این قبیل امکان‌پذیر نیست. باید حتماً هم دولت و هم مردم

با عزم و انگیزه فراوان، سرمایه‌گذاری برای تولید را جدی بگیرند و دنبال کنند. کار دولت، فراهم کردن زمینه‌هاست، برداشتن موانع تولید است؛ کار مردم هم این است که سرمایه‌های خرد و سرمایه‌های بزرگ خود را بتوانند در راه تولید به کار ببرند. اگر سرمایه در راه تولید به کار رفت، دیگر به سمت کارهای مضر مثل خرید طلا، خرید ارز و امثال این‌ها نخواهد رفت، و کارهای مضر، دیگر انجام نخواهد گرفت. بانک مرکزی می‌تواند در این زمینه نقش ایفا کند، دولت هم نقش‌های مؤثر فراوانی را می‌تواند به وجود بیاورد» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۳/۱۲/۳۰).

در عصر اقتصادهای نوین، تولید ملی به‌عنوان مهم‌ترین رکن در افزایش قدرت اقتصادی شناخته می‌شود. بر همین اساس است که ارزش تولیدات انجام‌شده در داخل یک کشور (تولید داخلی) یا ارزش تولیدات صورت‌گرفته توسط افراد تبعه یک کشور (تولید ملی) به‌عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری قدرت اقتصادهای مختلف معرفی می‌شود (مؤمنی، ۱۳۹۸).

به عبارت دیگر، فعالیت‌های نامولد به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در نظام خلق ارزش‌های واقعی اقتصادی، ضمن اینکه درآمد و بازدهی بالایی بر آن‌ها مترتب می‌شود، خود نه به‌طور مستقل و نه به‌طور مکمل و غیرمستقیم موجب و موجد ارزش‌های واقعی اقتصادی نیستند. فعالیت‌هایی در اقتصاد وجود دارد که به‌ظاهر ارزش اقتصادی ملموس خلق نمی‌کنند یا محصول کالایی ندارند؛ اما به ارزش‌آفرینی فعالیت‌های تولیدی کمک می‌کنند و اساساً زمینه‌ساز رشد تولید کالاها و خدمات هستند مثل خدمات ضروری واسطه‌گری مالی و بازاری، دلالی و بازاریابی، این‌ها در حد لازم و ضروری خود مصداق اتم فعالیت‌های مولد هستند. اما اگر بعد از ردیابی کامل مشخص شد که فعالیت درآمدزایی که نه به‌طور مستقیم و نه به‌طور غیرمستقیم، هیچ تمهیدی برای بخش تولید کالایی ایجاد نمی‌کند و خود نیز موجب و موجد هیچ‌گونه ارزشی واقعی نیست، قطعاً نامولد خواهد بود (شاکری، ۱۳۹۵).

شناسایی فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید و تلاش برای مدیریت آن‌ها در جهت

جلوگیری از ایجاد فرصت‌های سوداگری رانت‌جویانه را می‌توان یکی از مهم‌ترین گام‌های اصلاح اقتصادی با رویکرد توسعه تولید دانست. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی این فعالیت‌ها با محوریت تولیدکنندگان شهرستان ابهر در استان زنجان انجام گرفته و نکات تکمیلی در این زمینه ارائه شده است.

فعالیت نامولد، فعالیت‌های اقتصادی هستند که بدون ایجاد هرگونه تولیدی در حوزه‌های کالا یا خدمات، تنها به واسطه تغییرات شرایط اقتصادی و فضای حاکم بر آن، سودآورند. این فعالیت‌ها نه تنها اندازه اقتصاد را افزایش نمی‌دهند، بلکه با جذب سرمایه‌ها و تغییر شرایط طبیعی بازار، جذابیت فعالیت‌هایی که اقتصاد را بزرگ می‌کنند (مولد) را هم کاهش داده و بر سر راه رشد اقتصادی مانع ایجاد می‌کنند. (خاندوزی و همکاران، ۱۳۹۶). هر نوع فعالیت اقتصادی بسته به میزان افزایشی که در اندازه واقعی اقتصاد یک کشور ایجاد می‌کند، مولدتر بوده و برعکس اگر تنها منجر به کسب سود شده و هیچ افزایشی در حجم واقعی اقتصاد رقم نزده یا حتی موجب تخریب فعالیت‌های سودمند و مولد اقتصادی شود، نامولدتر است (حسن‌زاده و پرنیان، ۱۳۹۸).

در یک دسته‌بندی متعارف می‌توان فعالیت‌های اقتصادی را به دو گروه طبقه‌بندی کرد: ۱. فعالیت‌های مولد که از کار مولد و تولید کالاها و خدمات سودمند ناشی می‌شود و اقتصاد را بزرگ‌تر کرده و باعث افزایش میزان تولید ناخالص ملی می‌شود و به صاحب فعالیت نیز سود می‌رساند؛ ۲. فعالیت‌های غیرمولد اقتصادی که بدون تلاش برای فعالیت تولیدی خاص و تنها با استفاده از تغییرات شرایط اقتصادی و فضای حاکم بر کشور به سودآوری می‌رسد، البته فقط برای صاحب فعالیت و نه برای کل اقتصاد. با این توصیف باید گفت یکی از این چالش‌های مهم، فعالیت‌های غیرمولد است که رقیب تولید به شمار می‌آیند و سرمایه‌گذاری‌ها به سمت این فعالیت‌ها سرازیر می‌شود. فعالیت‌های غیرمولد ارزش افزوده خاصی برای اقتصاد کشور ایجاد نمی‌کنند و در یک نگاه، تأثیر پایداری در افزایش میزان تولید ناخالص ملی و رشد اقتصادی ندارند و اما برای فرد سرمایه‌گذار سودآور است؛ لذا رواج فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید را که در اقتصادهای رانتی فرصت بیشتری می‌یابند،

می‌توان یکی از موانع اصلی دستیابی به اهداف و برنامه‌های توسعه در کشور دانست. با این توصیف، در این پژوهش، شناسایی و اولویت‌بندی فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید به‌عنوان یک مسئله‌مقدماتی برای رفع چالش‌های پیشروی تولید محسوب می‌شود، پس از مرور ادبیات و پیشینه پژوهش به شناسایی فعالیت‌های اقتصادی غیرمولد رقیب تولید که توسط تولیدکنندگان شهرستان ابهر مورد انتخاب واقع شده پرداخته و از سوی دیگر علل سرمایه‌گذاری آنان در این دسته از فعالیت‌ها استخراج خواهد شد. علت انتخاب شهرستان ابهر به‌عنوان مورد مطالعه این پژوهش در وهله اول دسترسی پژوهشگران به تولیدکنندگان این شهرستان و اعتماد متقابل بین تیم پژوهش و تولیدکنندگان بود و در وهله دوم شهرستان ابهر به‌عنوان یک شهرستان صنعتی در استان زنجان با دارا بودن ۲۱ شهرک صنعتی، ظرفیت قضاوت دقیق‌تری را در امر یافته‌ها حاصل می‌کرد.

۲. ادبیات موضوع و پیشینه

همان‌گونه که اشاره شد، فعالیت‌های نامولد آن فعالیت‌هایی هستند که زمینه‌های رشد تولید، بهره‌وری و ارتقای کیفیت را محدود و مسدود می‌کنند. منظور از فعالیت نامولد رقیب تولید، کسب درآمد از فعالیت‌هایی است که چندان به تولید ملی اضافه نمی‌کند؛ اما به‌طور متوسط سود بیشتری از فعالیت‌های تولیدی دارد یا راحت‌تر از آن‌هاست. به عبارت دیگر، فعالیت‌های نامولد فعالیت‌هایی هستند که به GNP واقعی چیزی اضافه نمی‌کنند و یا اگر اضافه می‌کنند ماهیتاً بی‌ارزش، بی‌کیفیت و ابتر است. ضمن اینکه با اختصاص منابع مالی به خود در حوزه منابع و همچنین اختصاص درآمدهای بالا به خود در حوزه توزیع تابعی محصول، مانع رشد کیک GNP می‌شوند (شاکری، ۱۳۹۵).

از مصادیق آشکار فعالیت‌های اقتصادی نامولد می‌توان به این موارد اشاره کرد: الف) کسب سود از خرید و فروش سوداگرانه املاک (زمین، واحد مسکونی، تجاری و...؛ ب) کسب سود از معاملات طلا و فلزات گران‌بها (سکه و شمش)؛ ج) کسب سود از معاملات ارز؛ د) کسب سود از سپرده‌گذاری بانکی؛ و) بخشی از سود واسطه‌گری و توزیع کالا (حسن‌زاده و پرنیان، ۱۳۹۸). فعالیت‌های غیرمولد ذکرشده در بخش پیشین براساس تغییر

قیمت و افزایش قیمت خود سرمایه و کار مثبت انجام شده صورت می‌گیرد.

أ) ملک بدون استفاده و مورد تقاضا فقط به قصد افزایش قیمت

بازار زمین و ملک یکی از بخش‌های اقتصاد کشور است که علاوه بر تأثیر بالای آن بر دیگر حوزه‌ها، سیاست‌های حاکم بر آن، در بخش مسکن به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای خانوار نیز مؤثر است. به همین دلیل بسیاری از کشورها، ورود جدی و سامان‌دهی این بازار را در دستور کار خود قرار داده‌اند. به دلیل نبود قواعد تنظیمی مناسب و کافی در کشور، این بازار در سال‌های مختلف مورد هجوم تقاضای سوداگری به قصد انتفاع غیرمولد و کسب سودهای بدون منشأ تولیدی بوده است

ب) عایدی سرمایه از محل افزایش قیمت ارز

نگهداری ارز و کسب سود از محل افزایش قیمت آن یک فعالیت غیرمولد به حساب می‌آید؛ زیرا این سود ناشی از تولید کالا یا خدمات نبوده و تمایل سرمایه‌دار برای سرمایه‌گذاری در بخش تولید را کاهش می‌دهد. شایان ذکر است آن دسته از فعالیت‌های خدماتی و خرد که به‌وسیله صرافیه‌ها صورت می‌پذیرد، یک فعالیت مولد محسوب می‌شود و حتی در برهه‌هایی می‌تواند به کشف قیمت‌ها کمک کند. خدمات صرافیه‌ها در تولید ناخالص داخلی مؤثر است و به‌عنوان ارزش افزوده بخش خدمات محسوب می‌شود. سودهایی غیرمولد محسوب می‌شوند که ناشی از نگهداری ارز به صورت بلندمدت و کسب سود از محل افزایش قیمت آن (افزایش نرخ ارز) است. این امر موجب کاهش توان ارزی کشور می‌شود، درحالی‌که می‌توانست در مسیر حمایت از تولید مصرف شود. همچنین سودهایی که از طریق سفته‌بازی و خریدوفروش‌های مکرر در بازه‌های زمانی کوتاه و در شرایط بحرانی بازار ارز به دست می‌آیند نیز جزء سودهای غیرمولد حوزه ارز محسوب می‌شوند، زیرا هیچ‌گونه کالا یا خدماتی تولید نمی‌کنند. این‌گونه سفته‌بازی‌ها شرایط تولید را نیز با ایجاد تقاضای کاذب و افزایش نرخ ارز، با مشکل مواجه می‌سازند.

ج) عایدی سرمایه از محل افزایش قیمت فلزات گران‌بها

معاملات مکرر فلزات گران‌بها (بیشتر سکه و شمش طلا و نقره) از آنجاکه ارزش افزوده ایجاد نمی‌کنند، می‌توانند بستری برای فعالیت‌های غیرمولد قرار گیرند. در یکی از گزارش‌ها و بررسی‌ها تخمینی زده شده که بیشتر از ۱۰۰ تن طلا در خانه‌های مردم ایران وجود دارد. در همان زمان میزان ذخایر طلای بانک مرکزی حدود ۹۵ تن بوده که نشان می‌دهد میزان طلای موجود در خانه‌های مردم بیش از ذخایر بانک مرکزی بوده است (محمدولی، ۱۳۹۳). با فرض اینکه ۵۰ درصد طلاهای ذخیره‌شده به صورت سکه و شمش بوده باشد، دارایی قابل توجهی به شکل فلزات گران‌بها به خصوص طلا، در خانه‌های مردم نگهداری می‌شود که با افزایش قیمت طلا، سودهای غیرمولد زیادی ایجاد می‌کند. البته نباید از دلایل فرهنگی و سنتی و اجتماعی که در میزان ذخیره طلا توسط مردم اثر دارد، غافل شد و یا اینکه ذخیره طلا به دلیل ترس از آینده و تورم را نادیده گرفت؛ اما یکی از دلایل این کار نیز ضعف‌های متعدد قوانین و مقررات است که مهم‌ترین آن‌ها نبود سیستم مالیاتی دقیق، جامع و همچنین عدم ثبت شفاف خرید و فروش سکه و شمش در بازار کشور است. به همین دلیل زمینه‌ای مناسب برای سفته‌بازی در بازار فلزات گران‌بها ایجاد شده است. در برهه‌هایی از زمان، به دلایل مختلف همچون کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی، شرایط اقتصاد به گونه‌ای پیش می‌رود که قیمت طلا افزایش یافته و صاحبان سکه و شمش طلا، بدون تولید کالا یا خدمات، صرفاً از محل افزایش قیمت سرمایه‌شان سودهای زیادی کسب می‌کنند که غیرمولد است. منظور از فعالیت غیرمولد در بازار فلزات گران‌بها آن دسته از خدماتی که مؤسسات و مغازه‌های طلافروشی در اختیار مردم قرار می‌دهند، نیست. نگهداری طلاهای زیتی نیز جزء دسته فعالیت‌های غیرمولد قرار نمی‌گیرند، زیرا کارکرد سرمایه‌ای نداشته و با هدف افزایش قیمت خریداری نمی‌شوند.

د) عایدی سرمایه از محل سفته‌بازی در بورس

بورس یکی از نهادهای ضروری و مفید مالی در ایران است که به‌صورت شفاف، خدمات مرتبط با خرید و فروش سهام را انجام می‌دهد. صف طولانی شرکت‌های متقاضی عرضه سهام اولیه نشان‌دهنده ظرفیت‌های بسیار زیاد پیشروی بورس کشور است. با درگیر کردن سرمایه‌های جامعه و پیوند بدنه اجتماع با بنگاه‌های بزرگ تولیدی، امنیت یک کشور در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی نیز علاوه‌بر حوزه اقتصادی، تقویت می‌شود. در صورتی که سرمایه‌گذار بورس صرفاً به دنبال نوسان‌گیری قیمتی باشد و از محل افزایش قیمت سهامش سود کسب کند، سود مذکور ناشی از تولید کالا یا خدمات نبوده و در دسته فعالیت‌های غیرمولد قرار می‌گیرد؛ اما باید هوشمندانه با این فضا برخورد کرد، زیرا بورس مکانی برای تخلیه هیجانات بازار است. تمام این محدودیت‌ها صرفاً باید به منظور پیشگیری از التهاب‌های شدید در بازار بورس اعمال شود تا حداقل‌های ثبات و امنیت بازار بورس حفظ شود.

باید توجه داشت که بازار بورس کشور در مراحل ابتدایی رشد خود به سر می‌برد و در حال حاضر باید سیاست‌هایی اعمال شود که ثبات بازار بورس را افزایش دهد و سودآوری شرکت‌ها را تقویت کند. اصلاح سیاست‌های مالیاتی باید به سمت حفظ سرمایه‌های موجود و جذب سرمایه‌های جدید باشد و ابزارهای تنظیمی نیز باید در حدی اعمال شوند که نظم کلی این بازار از بین نرود. با ثبات شدن بازار بورس اوراق بهادار باعث می‌شود که به تدریج عموم مردم بورس را به‌عنوان محلی برای کسب سود پایدار بشناسند و با ورود سرمایه‌های مردمی، شرکت‌های بیشتری امکان افزایش سرمایه از طریق فروش سهام اولیه پیدا می‌کنند. این باعث می‌شود که اولاً منابع موردنیاز بخش تولید از طریق مشارکت مردم تأمین شود، ثانیاً هیجانات بازار از طریق هدایت نقدینگی به سمت بورس، اثر کمتری بر افزایش تورم بگذارد.

مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد افزایش تولید و اثربخش شدن سیاست‌های حمایت از تولید در کشور، بدون توقف سودآوری فعالیت‌های نامولد (نظیر کسب سود از خرید و فروش مکرر مسکن، خودرو، سکه، طلا، ارز و... با اهداف سوداگرانه و سفته‌بازانه) امکان‌پذیر نبوده و همه حمایت‌ها و سیاست‌های این حوزه را با شکست مواجه می‌سازد؛ چراکه در شرایطی که سودهای کلان به راحتی از طریق سفته‌بازی و سوداگری در حوزه‌های مختلف قابل حصول است و با وجود سود بالای این نوع سوداگری‌های نامولد، سرمایه‌گذاری تولیدی و اشتغال‌زا، با ریسک‌ها و ناطمینانی‌های مختلف در حوزه تولید، طبعاً اقتصادی نخواهد بود (حسن‌زاده و پرنیان، ۱۳۹۸). در اقتصاد ایران، بازیگران، بدون تولید به سود می‌رسند و حاشیه سود فعالیت‌های نامولد بالاتر از تولید است؛ به همین دلیل مردم و سرمایه‌ها مسیر فعالیت‌های نامولد را انتخاب می‌کنند. این شرایط باعث غلبه بخش‌های نامولد بر مولد در دهه اخیر شده است (همان). محور فعالیت‌های نامولد، فعالیت‌های نامرتب با GNP واقعی و معاملات و مبادلات کالاها و دارایی‌هایی غیر از GNP و محصول کالایی کل است. ویژگی اصلی فعالیت‌های نامولد این است که برای افرادی که هیچ ارزش واقعی خلق نکرده‌اند، خلق درآمد می‌کند و از این طریق، آنان هنگام آماده شدن یک GNP، بخش عظیمی از آن را تصاحب می‌کنند، درحالی‌که مشارکتی در تهیه آن نداشته‌اند (شاگری، ۱۳۹۵).

در شرایط کنونی، قواعد بازی اقتصاد به گونه‌ای است که هزینه فعالیت‌های نامولد بسیار محدود و نتایج آن بسیار چشمگیر است (خاندوزی و همکاران، ۱۳۹۶). به لحاظ ماهیت رانتی اقتصاد ایران، از قبل از انقلاب چنین فعالیت‌هایی که عمدتاً زیرزمینی هم هستند، در اقتصاد ایران شکل گرفته‌اند. نظیر معاملات املاک، طلا، ارز و خودرو با اهداف سوداگرانه، واردات قاچاق، واردات رسمی به جای تولید محصول، تولید به صورت قطعات منفصله وارداتی به جای قطعه‌سازی و ایجاد زنجیره ارزش در داخل، سپرده‌گذاری بانکی و... (حسن‌زاده و پرنیان، ۱۳۹۸). به طور کلی، اگر وضعیت اقتصاد طوری باشد که انبارها (Stocks)، بسیار درآمدزا و پربازده باشند، به طوری که عایدی سرمایه‌ای و جریان درآمد

سرمایه‌ای بر جریان اکتسابی غالب شود، چشم‌انداز تولید و فعالیت‌های مولد بسیار محدود خواهد شد و آن عایدات سرمایه‌ای و جریان درآمد سرمایه‌ای منشأ نامولد خواهد داشت (شاگری، ۱۳۹۵).

با ایجاد محیط رقابتی می‌توان مانع نقش‌آفرینی گروه‌های ذی‌نفعی شد که با کسب امتیاز انحصاری، به بخش‌های مولد آسیب می‌زنند. در فضایی که آزادی اقتصادی وجود دارد، با همه افراد به‌طور یکسان رفتار می‌شود. در چنین فضایی، دست‌کاری و سوءاستفاده از منافع اقتصادی برای مقامات سیاسی مشکل شده و یکپارچگی و استحکام منافع آن‌ها از طریق خلق رانت کاهش می‌یابد (نورس^۱ و همکاران، ۲۰۰۹)، منصفانه کردن رقابت اقتصادی از دو طریق ممکن است: ۱. حمایت از بخش‌های مولد؛ ۲. کاهش جذابیت فعالیت‌های نامولد. حمایت از بخش‌های مولد به‌دلیل تعدد و تنوع بسیار آن‌ها، سخت و پرهزینه است در صورتی که کاهش جذابیت فعالیت‌های نامولد به‌دلیل کم بودن تنوعشان به‌نسبت ساده‌تر است. یکی دیگر از جذابیت‌های فعالیت‌های نامولد تسلط «عایدات سرمایه‌ای» بر «درآمد اکتسابی از فعالیت‌های مولد» است. دولت اسلامی وظیفه دارد از طریق سیاست‌های اقتصادی، قاعده بازی را طوری تغییر دهد تا «عایدات سرمایه‌ای» بر «درآمد اکتسابی از فعالیت‌های مولد» مسلط نشود (شاگری، ۱۳۹۵). در وضعیت کنونی اقتصاد کشور، مالکیت منابع و سرمایه‌ها، متمرکز است و تصمیمات اقتصادی توسط سیاستمداران به‌صورت متمرکز و بدون مشارکت مردم صورت می‌گیرد. در این شرایط، زمینه برای نقش‌آفرینی گروه‌های ذی‌نفع فراهم است و به همین خاطر، فعالیت‌های نامولد افزایش می‌یابد؛ در نتیجه برای هدایت سرمایه به بخش‌های مولد، لازم است که اقتصاد ایران، مردمی شود. اقتصاد، زمانی مردمی می‌شود که مردم بتوانند در تصمیمات اقتصادی مؤثر باشند و در بخش‌های مختلف اقتصادی نقش‌آفرینی کنند. به عبارت دیگر، اقتصاد مردمی یعنی مردم در رهبری اقتصادی کشور به‌صورت فعال مشارکت داشته باشند. در این صورت، می‌توان از حداکثر پتانسیل‌ها و ظرفیت‌ها برای اداره بهتر اقتصاد استفاده کرد (خاندوزی، ۱۳۹۳).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در شرایط کنونی قواعد بازی اقتصاد به گونه‌ای است که هزینه فعالیت‌های نامولد بسیار محدود و بازده آن بسیار بالاست. برای تولیدمحور شدن اقتصاد، نمی‌توان به حاشیه سود بخش‌های نامولد بی‌توجه بود؛ زیرا بازده بالای این بخش‌ها، مانند زمین شیب‌داری، بخش اعظم نقدینگی را به سوی خود جذب می‌کند. در این راستا سیاست‌های مالیاتی باید به گونه‌ای اتخاذ شوند تا از حاشیه سود بخش‌های نامولد کاسته شود. در این صورت، قاعده بازی اقتصاد به نفع بخش‌های مولد تغییر خواهد کرد. در وضعیت کنونی، یکسان‌سازی نرخ سود تسهیلات در بخش‌های مختلف به بانک‌های دولتی اجازه می‌دهد که سهمیه‌بندی تسهیلات در بخش‌های متعدد اقتصادی رعایت نشود. این تصمیم موجب می‌شود بخش‌های مختلف تولید نتوانند از امکانات گذشته استفاده کنند و با یکسان‌سازی نرخ تسهیلات بانکی، بخش‌های غیرمولد که نرخ سود بالاتری را کسب می‌کردند، بیش از فعالیت‌های مولد امکان دسترسی به منابع بانکی داشته باشند (راغفر و سلطانی، ۱۳۹۶). بخش‌های نامولد به‌رغم اینکه هیچ منفعت مفیدی برای جامعه ندارند، تنها به دلیل اینکه حاشیه سود بالاتری دارند، می‌توانند سرمایه‌های جامعه را برای رونق خود به کار گیرند. در اقتصاد اسلامی، هدایت سرمایه ابتدا از طریق نیروهای بازار انجام می‌گیرد، اما در صورتی که چنین مسیری با اهداف و ارزش‌های اسلامی ناسازگار باشد، باید با دخالت دولت اسلامی اصلاح گردد (پوراحمدی و شم‌آبادی، ۱۳۹۰).

آنچه در اقتصاد ایران باید انجام شود، این است که اول، بخش تولید صنعتی کالایی را که خود به خدمات آموزشی، حمل‌ونقل، پژوهش و خدمات فنی و مهندسی نیاز دارد به شدت ارتقا دهیم و با ایجاد نوآوری‌های فنی و مدیریتی، عرضه انبوه محصولات کالایی را در اقتصاد محقق سازیم. پس از آن، برای تکمیل این فرایند و ایجاد سازگاری لازم بین اجزای سیستم اقتصاد، خدمات تجاری و واسطه‌ای و... را گسترش دهیم و خدمات رفاهی را هم پس از انقلاب بهره‌وری و ارتقای رفاه، عوامل شاغل در بخش تولید کالایی گسترش دهیم (شاکری، ۱۳۹۵).

عوامل مختلفی می‌توانند باعث جذابیت بخش‌های نامولد شوند، از جمله فعالیت‌های

نامولدی مانند واسطه‌گری چندلایه کالاها که باعث کاهش بازدهی تولیدکنندگان شده؛ یا سوداگری زمین و مسکن که مجرای کسب رانت‌های فراوان است و یا قاچاق کالا که با فرار از مالیات و سایر هزینه‌های رسمی همراه است و یا فعالیت‌های نامولد دیگر که با دورزدن قانون و پرداخت رشوه به مقامات سیاسی و یا با کسب امتیاز انحصاری در ایجاد رانت موجب جذابیت بخش‌های نامولد شده‌اند (باگواتی،^۱ ۱۹۸۲).

با مرور پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه تولید ملی انجام شده است می‌توان به دسته‌بندی‌های کلی رسید، دسته‌ای از پژوهش‌ها در بحث تولید ملی به موانع تولید ملی اشاره کردند:

الف) موانع ناشی از قوانین و مقررات موجود: اصلی‌ترین قوانین مبتلا به بخش صنعت کشور عبارت‌اند از: قانون کار، قانون تأمین اجتماعی، قانون مالیات‌های مستقیم و قانون مالیات بر ارزش افزوده. شکی نیست که اهداف مورد نظر در اجرای این قوانین، ازسوی جامعه تولیدی کشور پذیرفته هستند، ولی نگرش غیرجامع‌گرایانه در تدوین این قوانین و ارائه روش‌های دست‌وپاگیر برای رسیدن به این اهداف، بخش‌هایی از این قوانین را به صورت موانعی در راه تولیدکنندگان درآورده است؛ به گونه‌ای که عوارض ناشی از آن‌ها، دقیقاً خلاف مقصود تدوین‌کنندگان و تصویب‌کنندگان این قوانین هستند؛ برای نمونه، می‌توان به اثر منفی آن‌ها در ایجاد اشتغال اشاره کرد.

ب) موانع ناشی از ناهماهنگی نهادهای مالی و اعتباری: با وجودی که هدف از ساخت نهادهای مالی و اعتباری گردش پول و ایجاد زمینه لازم برای سوددهی بیشتر فعالیت‌های اقتصادی است و این امر جز با تسهیل دسترسی تجار و صنعتگران به منابع مالی مطمئن و کم‌هزینه امکان‌پذیر نیست، عملکرد کنونی مؤسسات بانکی، موجب کساندن قاطبه جامعه و فعالان اقتصادی خرد و کلان به سمت فعالیت‌های مجازی اقتصادی با بازده فوری شده و این موضوع باعث شده است تا متخصصان و صنعتگران دارای خلاقیت و نوآوری که سرمایه‌ای جز فکر و اندیشه خود ندارند، از دستیابی به منابع مالی محروم شوند و فعالان درستکار

عرصه تولید نیز از تسهیلات بازار سرمایه بهره‌مند نشوند.

ج) موانع ناشی از نبود اطمینان نسبت به سرمایه‌گذاری: بی‌ثباتی قوانین و روش‌های اجرایی آن‌ها و نیز برخوردهای چندگانه با فعالان اقتصادی که بدون در نظر گرفتن پیامدهای سوء این‌گونه رفتارها و به‌ویژه تأثیر آن‌ها بر صاحبان سرمایه درستکار صورت می‌پذیرد، موجب آن می‌شود که اطمینان از سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی درازمدت (که ایجاد و راهبری صنایع تولیدی بخشی از این فعالیت‌هاست) گرفته شود. از آنجاکه کشورمان از تلاطم‌های سال‌های آغازین تثبیت نظام جمهوری اسلامی گذر کرده و قوانین ناظر به حمایت از سرمایه‌گذاری و تولید داخلی در دهه‌های اخیر به حد کفایت مصوب شده‌اند، شایسته نظام اسلامی که هم نفی نظام سرمایه‌داری لجام‌گسیخته لیبرال و هم نفی نظام اشتراکی محدودکننده کمونیسم را کرده، هنوز به ثبات کافی برای ایجاد اطمینان در سرمایه‌گذاران مشروع داخلی نرسیده باشد.

د) موانع ناشی از شرایط خارجی: در سال‌های اخیر، کشور ما شاهد اعمال محدودیت‌های منبعث از فشارهای برخی کشورها به جامعه بین‌المللی برای جلوگیری از رشد علمی و صنعتی جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ صرف‌نظر از اینکه چنین محدودیت‌هایی، اعم از اینکه توسط دولت‌های خاص یا توسط نهادهای بین‌المللی اعمال شده باشند، قانونی هستند یا خیر، باید به میزان تأثیر واقعی آن‌ها جدی گرفته شده و آثار آن‌ها بررسی شوند. بدیهی است چنین مطالعه‌ای برای یافتن راهکارهای رویارویی با این محدودیت‌ها و تصمیم‌های مناسب اقتصادی برای بالا بردن میزان فعالیت‌های صنعتی و افزایش تولیدات داخلی است.

ه) موانع ناشی از قاچاق و واردات بی‌رویه: نبود نظارت دقیق بر ورود کالاهای قاچاق و رشد بی‌رویه واردات کالاهای خارجی از راه‌های ورودی کشور و عدم توان رقابت سالم برای تولیدکنندگان ایرانی، نه تنها انگیزه تولید و خلاقیت را از این تولیدکنندگان می‌گیرد، بلکه کالای تولیدی ایرانی در شرایط کیفی مساوی با عدم استقبال در بازارهای عرضه و تقاضای داخلی روبه‌رو می‌شود. امر نظارت دقیق بر ورود کالاهای خارجی به‌ویژه در

شرایطی که اعمال فشارهای خارجی برای جلوگیری از رشد علمی و صنعتی کشور در سال‌های اخیر شدت یافته است، ضروری بوده و حمایت جدی از تولید و سرمایه ایرانی را می‌طلبد.

(و موانع صادرات تولیدات داخلی: همه صاحب‌نظران اذعان دارند که رشد تولیدات درونی در صورت یافتن بازارهای ملی و فراملی محقق می‌شود. به‌طور کلی، بسنده کردن به مصرف داخلی و غفلت از بازارهای خارجی موجب رونق کامل صنایع کشور نمی‌شود. از آنجاکه صدور محصولات داخلی به دیگر کشورها درآمد ملی ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، ارتباطات اقتصادی موجبات تنظیم روابط خارجی و آثار مثبت در امنیت ملی را به دنبال دارد، صادرات محصولات بنگاه‌های تولیدی باید از راه‌های گوناگون تشویق شوند؛ به حداقل رساندن عملیات بانکی و گمرکی، تداوم جوایز صادراتی، ایجاد تسهیلات جدید از جمله این مشوق‌ها هستند و لازم است تمهیدات نوینی که با جهانی شدن اقتصاد هم‌خوانی دارند، در راستای افزایش صادرات غیرنفتی اندیشیده شود که در این زمینه، توجه به روش دیگر کشورها در حمایت از صادرکنندگان خود مفید خواهد بود تا جای خالی حمایت‌های دیپلماتیک به‌خوبی پر شود (احراری رودی، ۱۳۹۱).

دسته دیگری از پژوهش‌ها هستند که به الزامات موفقیت در حمایت از تولید ملی پرداختند و در چند بخش آن‌ها را خلاصه کردند و رفع موانع تولید و اولویت‌بندی صحیح صنایع و حمایت هدفمند از صنایع و توجه به معیارها را از الزامات موفقیت در حمایت از تولید ملی برشمرده‌اند (گروه مشاوران مدیریت راهبردی تدبیر، ۱۳۹۷).

در بخشی از پژوهش‌ها نیز به چالش‌های حمایت از تولید ملی اشاره شده است که در یکی از آن‌ها چالش ایجاد و حفظ اشتغال، چالش فناوری، چالش سرمایه‌انسانی (آموزش و مهارت) و چالش فساد (رانت و انحصار) را از جمله چالش‌های حمایت از تولید ملی معرفی می‌کند. در ادامه نیز راهبردهایی را در حمایت از تولید داخلی بیان می‌دارد که بهبود فضای کسب‌وکار، ثبات اقتصاد کلان، حمایت از پژوهش، تقویت سرمایه‌انسانی، مشاوره‌های مدیریتی برای کارفرمایان، کمک به بازاریابی منطقه‌ای و بین‌المللی، اصلاح نظام مالیاتی و

کنترل فساد اداری، افزایش کیفیت کالاها و... از جمله آن‌هاست. نوذری (۱۳۹۷) در پژوهشی که مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر کرده است این‌گونه آمده که براساس مطالعات مرکز پژوهش‌ها، آسیب‌شناسی‌های حمایت‌های صورت‌گرفته از تولید در ایران، تجربیات سایر کشورها در حمایت از تولید و نیازها و ضرورت‌های تسهیل تولید در ایران، راهبردهای حمایت از تولید در ایران را می‌توان به‌عنوان چارچوبی برای ایجاد جهش تولید در کشور در هشت سرفصل اصلی ارائه کرد: تدوین راهبرد توسعه صنعتی و انتخاب پیشران‌ها، شفافیت، رقابت و تسهیل ورود به کسب‌وکارها و اداره بنگاه‌ها، کاهش هزینه فرصت تولید از طریق هزینه‌دار کردن فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید، تأمین امنیت سرمایه‌گذاری و کاهش هزینه‌های مبادله، توسعه و ارتقای تأمین مالی تولید، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری بازار ارز و حفظ رقابت‌پذیری تولید داخل، دستیابی به فناوری‌های برتر و تجاری‌سازی آن‌ها، رسمی شدن کسب‌وکارها و کاهش بخش غیررسمی در اقتصاد.

به‌طور خلاصه، ایجاد جهش تولید در کشور بدون رفع چالش‌های مربوط به محیط کسب‌وکار و همچنین کاهش انگیزه در فعالیت‌های سوداگرانه رقیب تولید از طریق اتخاذ سیاست‌های مالیاتی مناسب و تعیین و معرفی اولویت‌های توسعه صنعتی (سیاست صنعتی) شامل کسب‌وکارهای پیشران به‌منظور حمایت زمان‌دار، شفاف و دارای سازوکار اصابت دقیق، ممکن نیست. همچنین حمایت‌های تعرفه‌های بانکی، یارانه‌ای و نظایر آن از تولید، بدون تأمین الزامات پیش‌گفته، اثری جز توزیع رانت‌های غیراثربخش (مانند سال‌های گذشته) ندارد و اهداف جهش تولید را محقق نخواهد ساخت (سیاح و شهبازی غیاثی، ۱۳۹۹).

در دسته دیگری از پژوهش‌ها آمده است که تمرکز کشور بر تولید ملی، به تقویت و تحکیم زیرساخت‌های کشور می‌انجامد، استقلال کشور را تضمین می‌کند، زمینه‌ها و فرصت‌های اشتغال را گسترش می‌دهد و می‌تواند راهکارهای منطقی و عینی برای حل معضل بیکاری قلمداد شود؛ در نتیجه، از سرمایه‌های موجود که در برخی موارد در شغل‌ها و عرصه‌های کاذب هزینه می‌شوند و معیشت مردم را به درآمدهای نامشروع آلوده می‌سازند،

استفاده مطلوب و بهینه و مشروع‌سازی ثروت محقق می‌شود (محمد متکازینی و حسینی هرندی، ۱۳۹۱). در بخشی از پژوهش‌ها به مقایسه حمایت‌ها از تولید ملی در ایران و چند کشور پیشرفته مانند چین و کره جنوبی و آمریکا و... پرداخته شده است و در نهایت عوامل موفقیت آن اقتصادها را در حمایت از تولید ملی این‌گونه برمی‌شمرد که حفظ استقلال دولت و درعین حال همکاری پیوسته با بخش خصوصی، تمرکز سیاست‌گذاری صنعتی در یک نهاد فرابخشی، تولیدمحور ساختن اقتصاد، شناسایی صنایع خوش‌آتیه و جلوگیری از اختلال‌زایی رانت‌ها (پيله‌فروش، ۱۳۹۷).

بخشی از پژوهش‌ها، پس از بررسی حمایت از تولید ملی و عوامل تأثیرگذار بر آن، وظیفه سازمان‌ها را نسبت به تحقق آن بیان می‌دارد؛ مانند مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۹ از تمام ظرفیت‌های خود در جهت تولید، گردآوری و رصد شاخص‌های مرتبط با جهش تولید استفاده خواهد کرد؛ با این حال واقعیات موجود بیانگر این است که در این مسیر خلأهای آماری زیادی به‌ویژه در مورد داده‌های کوتاه‌مدت و منطقه‌ای در نظام آماری کشور وجود دارد که نیازمند عزم جدی نظام آماری در تولید و عزم جدی دولت در تأمین نیروی انسانی و تأمین اعتبار مورد نیاز برای تولید است.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از یک‌سو رویکردی خبرگانی داشت، به این معنا که برای شناسایی فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید که عموماً از سوی تولیدکنندگان شهرستان ابهر مورد استفاده قرار می‌گرفت، از ابزار مصاحبه عمیق استفاده شد و پس از اخذ مصاحبه‌ها، به‌منظور تهیه شبکه مضامین از روش تحلیل مضمون استفاده شد. خبرگان شامل مدیران، متخصصان، کارشناسان و فعالان حوزه صنعت در شهرستان ابهر بهره‌گیری شده است که اطلاعات جمعیت‌شناختی خبرگان محل رجوع در جدول ۱ ارائه شده است. در مرحله بعد پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته تهیه شد که در اختیار تولیدکنندگان شهرستان ابهر قرار گرفت و از ایشان خواسته شد که ضمن تعیین آن دسته از فعالیت‌های غیرمولدی که بخشی از منابع مالی خود را به‌جای سرمایه‌گذاری در امر تولید، در آنجا صرف کرده بودند، علت چنین

اقدامی را تعیین نمایند که توضیحات مربوط به این بخش و چرایی استفاده از این روش در بخش بعدی ارائه شده است.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سابقه مرتبط	میزان تحصیلات	حوزه فعالیت
۱	۴۵	کارشناسی ارشد	صنایع فولادی
۲	۹	کارشناسی ارشد	تولید فارچ
۳	۳۰	کارشناسی ارشد	مواد غذایی و تبدیلی کشاورزی
۴	۱۱	کارشناسی	تولید آب رادیاتور و شیشه‌شوی و ضد یخ
۵	۱۲	کارشناسی	تولید مصالح ساختمانی، سبلیس
۶	۲۳	کارشناسی ارشد	ریسندگی و نساجی
۷	۱۵	دکتری	قطعات خودرو
۸	۷	دکتری	تولید IT
۹	۱۲	کارشناسی ارشد	تولید فولاد (میل‌گرد و...)
۱۰	۱۰	کارشناسی ارشد	تولید ملزومات راه و ساختمان
۱۱	۱۰	کارشناسی	مدیر اجرایی تولیدکنندگان کفش
۱۲	۳	کارشناسی	تعاونی‌های کفش
۱۳	۲۰	کارشناسی	تولید صنایع معدنی
۱۴	۴۰	کارشناسی ارشد	تولید سیم و کابل
۱۵	۱۵	دکتری	مواد غذایی
۱۶	۲۳	کارشناسی ارشد	رئیس اداره صمت
۱۷	۲۵	کارشناسی ارشد	نساجی

تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک،^۱ ۲۰۰۶). پژوهشگران علوم اجتماعی و انسانی، غالباً از تحلیل مضمون برای شناخت الگوهای کیفی و تهیه کدهای

مرتبط با آن‌ها استفاده می‌کنند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). مضمون، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و پرسش‌های پژوهش است و تا حدی معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (همان). سه فعالیت اصلی در این مسیر اتفاق افتاده است که شامل جمع‌آوری مصاحبه‌ها، تبدیل مضامین و سپس یکپارچه کردن آن‌ها هستند که در ادامه به توضیح هر بخش پرداخته می‌شود:

جمع‌آوری مصاحبه‌ها: در این مرحله از پژوهش، ابتدا مصاحبه‌های تهیه‌شده جمع‌آوری شدند و با اضافه کردن یادداشت‌های حین مصاحبه توسط پژوهشگر، تکمیل شدند. سپس مصاحبه‌ها در قالب جملات کوتاه دسته‌بندی شدند و براساس این جملات، کدگذاری به عمل آمد. در مجموع در این مرحله ۷۰ کد اولیه به دست آمد که در ۶۰ مضمون پایه دسته‌بندی شدند.

تبدیل مضامین: در این مرحله، مفاهیم پایه در قالب مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر دسته‌بندی شدند. در این گام، تلاش اصلی بر این بوده است که مفاهیم پایه به مفاهیم دقیق‌تر و دربرگیرنده بیشتر مفاهیم تبدیل شوند. در واقع در این مرحله، مجموع مضامین پایه با معانی و مفاهیم نزدیک، در یک دسته و ذیل یک مضمون سازمان‌دهنده قرار گرفتند که در نهایت تعداد این مضامین، ۲۱ عدد بوده است.

یکپارچه کردن متن: در مرحله پایانی، با تحلیل و بررسی مضامین سازمان‌دهنده، به ۵ مضمون فراگیر رسیدیم که شامل اشکالات عرصه سیاست‌گذاری و حکمرانی، ریسک بالای تولید، سود کم تولید، فقدان ضمانت لازم در بازار و هزینه‌های گسترده تولید هستند.

جدول ۲: نمونه‌ای از مصاحبه‌ها و کدگذاری‌ها

کد	متن مصاحبه	مفاهیم اولیه
م	بیشترین عامل به تعطیلی کشاندن تولید، تحریم و نوسانات بازار و تورم	- تحریم‌ها و نوسانات
۶	حاصل از آن است که بیشترین ضربه را به تولید می‌زند؛ چون	بازار عامل تعطیلی تولید

مفاهیم اولیه	متن مصاحبه	کد
<p>- بی‌ثبات بودن اقتصاد عامل جذابیت کار غیرمولد - عدم کسب سود مناسب عامل انجام فعالیت غیرمولد - ناقص بودن ساختار و سیاست‌های کلان برای حمایت از تولید دیگر عامل ترغیب به فعالیت غیرمولد - عدم اخذ مالیات از درآمد حاصل از فعالیت‌های غیرمولد - خصوصی‌سازی سرآغاز فعالیت‌های غیرمولد - ترغیب سرمایه‌گذار به انجام فعالیت غیرمولد - راحتی و در دسترس بودن فعالیت غیرمولد</p>	<p>برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های بلندمدتی نمی‌توان ارائه کرد. تولیدکنندگان اگر جا پای محکم نداشته باشند مجبور به انجام فعالیت‌های غیرمولد می‌شود و این نیز به دلیل ناثباتی اقتصاد است؛ یعنی مثلاً قیمت خرید مواد اولیه مستمراً در حال تغییر است و این باعث می‌شود قیمت تمام‌شده کالا نیز به‌طور مستمر تغییر بکند. دیگر دلیل اصلی انجام فعالیت‌های غیرمولد سود کمتر از انتظار تولیدکنندگان از تولید است. تولیدکننده برای سود تولید می‌کند و اگر سود مورد انتظارش حاصل نشود، سرمایه‌اش را به فعالیت دیگری منتقل خواهد کرد. در این میان سیاست‌های مناسبی هم در حمایت از تولید وجود ندارد و تولیدکننده را ترغیب به تولید نمی‌کند و بلکه برعکس تولیدکننده از تولید سرخورده می‌شود. این سیاست‌ها معمولاً به جای حمایت از تولید از تولیدکننده حمایت می‌کنند که این خود دلیلی بر نبود سیاست‌های درست است که موجب ایجاد رانت و ترغیب تولیدکننده به منتقل کردن این حمایت‌ها به فعالیت غیرمولد خواهد شد. از دیگر نکاتی که باید در اینجا ذکر شود، اخذ مالیات به شدیدترین صورت ممکن و برخورد شدید با عدم پرداخت مالیات توسط واحدهای تولیدی و در مقابل نبود و عدم اخذ مالیات در فعالیت‌های غیرمولد است. نبود شفافیت در فعالیت‌های غیرمولد و برعکس وجود شفافیت در بخش تولیدی منجر به چنین وضعی شده است. از دیگر موضوعاتی که به ذهن می‌رسد، این است که فعالیت‌های غیرمولد تقریباً بعد از انجام خصوصی‌سازی‌های نامناسب و البته شخصی‌سازی‌ها شدت بیشتری پیدا کرد و خصوصی‌سازی که باید منجر به رونق تولید می‌شد، منجر به زمین زدن تولید و در عوض انجام فعالیت‌های غیرمولد شد. همه این موارد ذکر شده مشخص می‌کند که در مجموع اگر تولید جذاب باشد، همه به سمت آن می‌آیند؛ اما این موارد بالا نشان از این دارد که جذابیت و ترغیب به فعالیت غیرمولد بیشتر از تولید است.</p> <p>می‌شود در یک کلام گفت که کسب سود از فعالیت‌های غیرمولد بیشتر از فعالیت تولیدی است و انجام آن نیز در اقتصاد ما راحت‌تر و در دسترس</p>	

کد	متن مصاحبه	مفاهیم اولیه
	است. چون دولت بر این نوع فعالیت‌ها نظارتی ندارد.	

همان‌گونه که در نمونه بالا مشخص است، ابتدا متن مصاحبه‌های جمع‌آوری شده مورد مطالعه قرار گرفتند، نکات اصلی آن‌ها با خط‌کشی مشخص شده و سپس کدها و مفاهیم پایه از دل آن‌ها استخراج گردید. سپس در جدولی مانند جدول پایین، مضامین اولیه که از لحاظ مفهومی به یکدیگر نزدیک‌تر بودند، در دسته‌های یکسان و ذیل یک مضمون اولیه قرار گرفتند. مضمونی که به میزان زیادی نماینده مفاهیم پایه دسته خود است. در مرحله پایانی نیز مفاهیم اولیه در ذیل مفاهیم اصلی قرار گرفتند.

جدول ۳: کدگذاری

مفاهیم اولیه	مفاهیم فرعی	مفاهیم اصلی
اشکالات عرصه سیاست‌گذاری و حکمرانی	عدم حمایت دولتی، فقدان حمایت روانی از تولیدکنندگان	عدم حمایت دولت از تولید
	نبود راهکارهایی برای صادرات محصولات، اختلال در صادرات، ایجاد اختلال در صادرات توسط کرونا، در اولویت بودن واردات به جای تولید	دشواری صادرات و سهولت واردات
	اخذ مالیات از تولید و عدم اخذ مالیات از فعالیت‌های غیرمولد، سود بانک‌ها مانعی برای تولید، نبود دید کلان به تولید، استفاده دلالت از تسهیلات به جای تولیدکنندگان، عدم یکپارچگی صنعت، عدم سیاست‌گذاری کلان، خصوصی‌سازی یکی از فعالیت‌های غیرمولد، بی‌دغدغه بودن دلالتی، در دسترس بودن فعالیت غیرمولد، عدم اخذ مالیات از درآمد حاصل از فعالیت‌های غیرمولد	سیاست‌های نادرست دولتی
	بروکراسی دست‌وپاگیر برای تولید، بروکراسی دست‌وپاگیر و خسته‌کننده، ناقص بودن ساختار و سیاست‌های کلان برای حمایت از تولید دیگر عامل ترغیب به فعالیت غیرمولد	ساختارهای معیوب حمایتی دولت از تولید

مفاهیم اولیه	مفاهیم فرعی	مفاهیم اصلی
ریسک بالای تولید	سوءمدیریت در تأمین مواد اولیه، وجود سوءمدیریت در مدیریت بازار، سوءمدیریت در شهرک‌های صنعتی	سوءمدیریت در بازار
	وجود افراد فریبکار در زنجیره تولید، نقد نشدن برخی عرضه‌ها، بازارپسند نبودن محصولات	ریسک‌های بازار
	نبود امنیت در سرمایه‌گذاری، تحریم‌پذیری	فقدان امنیت سرمایه‌گذاری
	اخلال نیروی کار در تولید، عدم جذابیت تولید، جذابیت کار غیرمولد	دشواری‌های انسانی تولید
سود کم تولید	سوددهی مناسب واسطه‌گری، عدم کسب سود کافی در تولید، فقدان سود مناسب در کوتاه‌مدت	حاشیه سود کم تولید
	اخذ مالیات بدون تحقیق	اشکالات نظام مالیاتی
	ایجاد بحران بدهی ناشی از بدهی به بانک‌ها، سودهای بانکی بالا	اشکالات نظام بانکی
	تغییر کاربری واحدهای تولیدی، دشواری‌های اخذ مجوز تولید	هزینه مبادله فراوان تولید
	قطعی‌های بی‌برنامه و مکرر برق	اشکالات نظام پشتیبانی
فقدان ضمانت لازم در بازار	تحریم‌های متعدد، شفاف نبودن سیاست‌های حمایتی دولت	نااطمینانی در بازار
	دلالی موجب قیمت بالای محصولات	مشکلات بازار
	نوسانات دلار و بازار، عدم ثبات قیمت ارز	مشکلات ناشی از کلان اقتصاد
هزینه‌های گسترده تولید	گرانی مواد اولیه، در دسترس نبودن مواد اولیه، تحریم‌پذیری مواد اولیه، بی‌کیفیتی مواد اولیه	هزینه مواد اولیه
	هزینه بالای حقوق و دستمزد، هزینه‌های جانبی نظیر خطرات و سلامتی نیروی کار، هزینه آموزش کارکنان، هزینه حق بیمه بالا	هزینه نیروی کار

مفاهیم اولیه	مفاهیم فرعی	مفاهیم اصلی
	فناوری تولید	قدیمی بودن ماشین آلات، تعطیلی های دوره ای به سبب فقدان قطعات ماشین آلات، هزینه بالای ماشین آلات و تعمیر آن ها، وابستگی به مسیر در امر تولید، دشواری جابه جایی در صنعت و تولید نسبت به خدمات
	هزینه های حمل و نقل	هزینه های بالای حمل و نقل به سبب گرانی بنزین و تایر و... کاهش نیروی متخصص حمل و نقل مورد اعتماد
	اشکالات سیستمی در تولید	قطعی های بی برنامه برق و امکان آسیب خوردن به تجهیزات

با توجه به جداول و یافته های بحث تاکنون می توان نکات زیر را در زمینه اشکالات طبقه بندی و ارائه نمود:

الف) اشکالات عرصه سیاست گذاری و حکمرانی

این مضمون فراگیر دربرگیرنده مضامین سازمان دهنده ای چون عدم حمایت دولت از تولید به معنای واقعی، دشواری و مشکلات عدیده در واردات مواد اولیه و صادرات محصولات تولیدی، سیاست های نادرست و دست و پاگیر بودن ساختارهای حمایتی دولت که نسبتاً از فراوانی برابری برخوردارند. این مضمون بیشترین میزان تأکید از سوی مصاحبه شوندگان را داشته و مورد توجهشان قرار داشت. مصاحبه ای از مصاحبه شوندگان به این شرح است: «یکی از اصلی ترین مشوق ها به سمت انجام فعالیت غیرمولد عدم شفافیت این فعالیت هاست اما در تولید همه چیز شفاف است و دولت نیز مالیات را به طور دقیق و حتی گاهی بیشتر از حد قانونی از واحدهای تولیدی دریافت می کند» یا یکی دیگر مصاحبه شوندگان بیان داشت که «با وجود اینکه این همه بحث حمایت از تولید ملی در کشور وجود دارد، اما بیشتر سیاست ها به سمت حمایت از تولیدکننده رفته و نه حمایت از تولید».

ب) ریسک بالای تولید

مضمون فراگیر دیگری که در مصاحبه ها مورد تأکید است که ناشی از سوءمدیریت در بازار، ریسک های بازار، فقدان امنیت سرمایه گذاری و دشواری های انسانی تولید است. در

این زمینه نیز یکی از خبرگان بیان داشت که «در کشور ما نیروی انسانی متخصص نداریم و نیروی انسانی توانمند تربیت‌نشده است و این خود ضرر فراوانی به تولید می‌زند تا نیروی انسانی تربیت شود».

پ) سود کم تولید

مضمون فراگیر و اصلی دیگر که از مصاحبه‌شوندگان استخراج شده، بحث سود کم تولید است. این مضمون هم در گفتار و مصاحبه‌های مصاحبه‌شوندگان تکرارپذیری زیادی دارد و این مفهوم اصلی دربرگیرنده حاشیه سود کم، اشکالات نظام مالیاتی، اشکالات نظام بانکی، هزینه مبادله فراوان تولید و اشکالات نظام پشتیبانی است. بیشترین موردی که در مفهوم اصلی سود کم تولید مورد توجه است، حاشیه سود کم تولید و نبود سرمایه در گردش کافی برای واحدهای تولیدی است که یکی از مصاحبه‌شوندگان این‌گونه می‌گوید: «جذاب‌ترین هدف تولید، کسب سود مناسب است و تولیدکننده‌ای که سود مورد انتظارش را از تولید کسب نکند، مجبور به تولید نکردن است».

ت) فقدان ضمانت لازم در بازار

یکی دیگر از مضامین و مفاهیم اصلی فراگیر که یکی دیگر از مشکلات صنعت در شهرهای ابهر شناخته می‌شود، فقدان ضمانت لازم در بازار است که شامل مفاهیم فرعی از جمله نااطمینانی در بازار، مشکلات بازار و مشکلات ناشی از اقتصاد کلان می‌باشد که بیشترین فراوانی در بین این مفاهیم پایه مشکلات ناشی از اقتصاد است. در این باره یکی از مصاحبه‌کنندگان معتقد است: «نوسانات بی‌اندازه و مستمر قیمت ارز قدرت برنامه‌ریزی برای تولید را از تولیدکننده گرفته است و این باعث سردرگمی و از بین رفتن سرمایه‌های تولیدکنندگان می‌شود».

ث) هزینه‌های گسترده تولید

آخرین مضمون و مفهوم فراگیر که بسیار ملموس نیز هست، هزینه‌های گسترده تولید است که در این پژوهش هم احصا شده است. این مفهوم نیز دربردارنده مفاهیمی چون هزینه مواد اولیه، هزینه نیروی کار، فناوری تولید، هزینه‌های حمل‌ونقل و اشکالات سیستمی

در تولید است که بیشترین موضوعی که بحث شد هزینه مواد اولیه بود. در این زمینه صاحب‌کننده‌ای اظهار داشت: «اگر مواد اولیه وجود نداشته باشد، تولیدی هم نخواهد بود که باتوجه به نبود سهمیه در بخش‌های از صنعت مجبور به خرید چندبرابر نرخ دولتی در بازار آزاد می‌شویم.»

۴. یافته‌های تحقیق

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، با توجه به ماهیت و نوع تحقیق، از روش‌های آمار استنباطی (آزمون‌های ناپارامتریک) استفاده شد. آزمون‌های ناپارامتری برای بررسی فرضیه‌هایی با متغیرهای کیفی استفاده می‌شود. این آزمون‌ها در ارتباط با نمونه‌های کوچک بسیار مفید است و فهم و استفاده از آن‌ها معمولاً ساده‌تر از آزمون‌های پارامتری است. آزمون دو جمله‌ای از جمله آزمون‌های ناپارامتری است و برای تشخیص تأثیر یا عدم تأثیر یک متغیر در پدیده‌ای معین کاربرد دارد. آزمون دو جمله‌ای یا آزمون نسبت موفقیت؛ معادل ناپارامتریک آزمون t تک‌نمونه است. آزمون دو جمله‌ای $binomial$ یک آزمون ناپارامتریک است که در آن بر مبنای یک مقدار یا مشخصه به بررسی موفقیت و شکست پرداخته می‌شود. منظور از موفقیت و شکست وجود یا نبود یک متغیر در جامعه مورد بررسی است.

جدول ۴: آزمون ناپارامتریک

نتیجه آزمون	نسبت مشاهده شده	تعداد نمونه	عناصر فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید
رد فرض صفر	۰/۲	۹	H_0 : تولیدکنندگان در عرصه خرید و فروش املاک به‌عنوان فعالیت غیرمولد رقیب تولید سرمایه‌گذاری نمی‌کنند.
	۰/۸	۲۳	H_1 : تولیدکنندگان در عرصه خرید و فروش املاک به‌عنوان فعالیت غیرمولد رقیب تولید سرمایه‌گذاری می‌کنند.
	۱	۳۲	جمع
پذیرش فرض صفر	۰/۶	۱۸	H_0 : تولیدکنندگان در عرصه خرید و فروش طلا به‌عنوان فعالیت غیرمولد رقیب تولید سرمایه‌گذاری نمی‌کنند.
	۰/۴	۱۴	H_1 : تولیدکنندگان در عرصه خرید و فروش طلا به‌عنوان فعالیت غیرمولد رقیب تولید سرمایه‌گذاری می‌کنند.
	۱	۳۲	جمع

پذیرش فرض صفر	۰/۸	۲۳	H ₀ : تولیدکنندگان در عرصه خرید و فروش ارز به‌عنوان فعالیت غیرمولد رقیب تولید سرمایه‌گذاری نمی‌کنند.
	۰/۲	۹	H ₁ : تولیدکنندگان در عرصه خرید و فروش ارز به‌عنوان فعالیت غیرمولد رقیب تولید سرمایه‌گذاری می‌کنند.
	۱	۳۲	جمع
پذیرش فرض صفر	۰/۷۵	۲۴	H ₀ : تولیدکنندگان در عرصه سپرده‌گذاری در بانک به‌عنوان فعالیت غیرمولد رقیب تولید سرمایه‌گذاری نمی‌کنند.
	۰/۲۵	۸	H ₁ : تولیدکنندگان در عرصه سپرده‌گذاری در بانک به‌عنوان فعالیت غیرمولد رقیب تولید سرمایه‌گذاری می‌کنند.
	۱	۳۲	جمع
پذیرش فرض صفر	۰/۷	۲۲	H ₀ : تولیدکنندگان در عرصه واسطه‌گری به‌عنوان فعالیت غیرمولد رقیب تولید سرمایه‌گذاری نمی‌کنند.
	۰/۳	۱۰	H ₁ : تولیدکنندگان در عرصه واسطه‌گری به‌عنوان فعالیت غیرمولد رقیب تولید سرمایه‌گذاری می‌کنند.
	۱	۳۲	جمع

براساس این پژوهش و تحلیل‌های آماری، از بین همه فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید، فقط سرمایه‌گذاری در بخش خرید و فروش املاک اعم از زمین و ساختمان و... در شهرستان ابهر توسط تولیدکنندگان صورت می‌گیرد و تولیدکنندگان به دلایل مختلف، فعالیت‌های غیرمولد دیگر را انتخاب نمی‌کنند.

جدول ۵: دلایل سرمایه‌گذاری در فعالیت موازی تولید

نتیجه آزمون	نسبت مشاهده شده	تعداد نمونه	دلایل سرمایه‌گذاری در فعالیت موازی تولید
رد فرض صفر	۰/۲	۷	H ₀ : اشکالات عرصه سیاست‌گذاری و حکمرانی تولید علت سرمایه‌گذاری در فعالیت موازی تولید نیست.
	۰/۸	۲۵	H ₁ : اشکالات عرصه سیاست‌گذاری و حکمرانی تولید علت سرمایه‌گذاری در فعالیت موازی تولید است.
	۱	۳۲	جمع
رد فرض صفر	۰/۴۴	۱۴	H ₀ : ریسک بالای تولید علت سرمایه‌گذاری در فعالیت موازی تولید نیست.
	۰/۵۶	۱۸	H ₁ : ریسک بالای تولید علت سرمایه‌گذاری در فعالیت موازی تولید است.
	۱	۳۲	جمع

پذیرش فرض صفر	۰/۵۶	۱۸	H ₀ : سود کم تولید علت سرمایه‌گذاری در فعالیت موازی تولید نیست.
	۰/۴۴	۱۴	H ₁ : سود کم تولید علت سرمایه‌گذاری در فعالیت موازی تولید است.
	۱	۳۲	جمع
پذیرش فرض صفر	۰/۵۶	۱۸	H ₀ : فقدان ضمانت لازم در بازار علت سرمایه‌گذاری در فعالیت موازی تولید نیست.
	۰/۴۴	۱۴	H ₁ : فقدان ضمانت لازم در بازار علت سرمایه‌گذاری در فعالیت موازی تولید است.
	۱	۳۲	جمع
رد فرض صفر	۰/۳۴	۱۱	H ₀ : هزینه‌های گسترده تولید علت سرمایه‌گذاری در فعالیت موازی تولید نیست.
	۰/۶۶	۲۱	H ₁ : هزینه‌های گسترده تولید علت سرمایه‌گذاری در فعالیت موازی تولید است.
	۱	۳۲	جمع
پذیرش فرض صفر	۰/۸۴	۲۷	H ₀ : اضطراهای شخصی علت سرمایه‌گذاری در فعالیت موازی تولید نیست.
	۰/۱۶	۵	H ₁ : اضطراهای شخصی علت سرمایه‌گذاری در فعالیت موازی تولید است.
	۱	۳۲	جمع

بر اساس پژوهش و تحلیل‌های آماری، مشخص می‌شود که علت عمده و قابل پذیرشی که تولیدکنندگان را به انجام فعالیت غیرمولد رقیب تولید در شهرستان ابهر ترغیب می‌کند، اشکالات عرصه سیاست‌گذاری و حکمرانی تولید است؛ اگرچه با کمی چشم‌پوشی، هزینه‌های گسترده تولید نیز، تولیدکنندگان را به انجام تنهاترین فعالیت غیرمولد رقیب تولید در شهرستان ابهر بر مبنای این پژوهش سوق می‌دهد.

نبود اسناد مالکیت فراگیر رسمی، نبود نظام اطلاعات و آمار مناسب، نبود ثبت‌اسناد هوشمند و فراگیر، قوانین و مقررات ناسازگار با پیچیدگی‌های اقتصاد، بروکراسی گسترده و ناکارآمد، فساد گسترش‌یافته، نبود شفافیت، ضعف نیروهای خودکار و خودافزا در اقتصاد، مهاجرت‌های بی‌رویه مستمر و پرشتاب به شهرها، تشدید دوگانگی‌های اقتصادی، اجتماعی و رفاهی میان شهر و روستا نظام مالیات ستانی و تمرکز آن بر مالیات ستانی ساده و قابل

دسترس، تغییر قیمت‌های نسبی به نفع شهرها، تورم مستمر و بالا و نامتناسب از جمله عوامل بروز و گسترش فعالیت‌های نامولد هستند که به نوعی با اشکالات عرصه سیاست‌گذاری و حکمرانی ارتباط دارند (شاکری، ۱۳۹۵). سروسامان دادن سریع به اسناد مالکیت و ایجاد ثبت هوشمند و استفاده از اهرم مالیات برای حذف قیمت‌گذاری‌های دلخواه و سوداگرانه در بخش زمین و مسکن، وضع مالیات‌های بالا بر رانت‌هایی که در اقتصاد ایجاد می‌شود؛ مثل اضافه قیمت مسکن و زمین، استفاده دقیق و جدی از ابزارهای مالیاتی برای تشویق تولید پویا و مایوس کردن فعالیت‌های غیرمولد، مبارزه جدی با زمین‌خواری و... می‌توانند راهکارهایی برای محدودتر کردن فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید باشد.

۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اگر تولید به عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردهای جریان‌ساز اقتصاد در کشور دانسته شود، تقویت توان تولید ملی در اولویت و مرکز توجه سیاست‌های اقتصادی خواهد بود و شناسایی عوامل و موانع توسعه تولیدی کشور نیز اهمیتی فراوان خواهد یافت. انتخاب و سرمایه‌گذاری برخی فعالیت‌های اقتصادی غیرمولد رقیب تولید توسط عموم مردم و البته برخی تولیدکنندگان به منظور کاهش ریسک و گاه سودآوری شخصی یکی از نگران‌کننده‌ترین رخدادهایی است که به عنوان مانع سرمایه‌گذاری در امر تولیدی شناخته می‌شود.

در پژوهش حاضر که با روشی کیفی - کمی انجام گرفت، از ابزارهای مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، پرسش‌نامه و مصاحبه برای گردآوری داده و همچنین روش تحلیل مضمون برای طبقه‌بندی مضامین استفاده گردید؛ ضمن اینکه از روش آزمون دوجمله‌ای برای آزمون فرض استفاده شد. از جمله فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید شناسایی شده در این پژوهش می‌توان به مواردی نظیر خرید و فروش املاک، خرید و فروش طلا و سکه، خرید و فروش ارز، سپرده‌گذاری در بانک و واسطه‌گری اشاره کرد که طبق یافته‌ها، تولیدکنندگان ابهری، خرید و فروش املاک را به عنوان یکی از زمینه‌های سرمایه‌گذاری انتخاب کرده و در این زمینه به فعالیت پرداخته‌اند. همچنین در باب علل سرمایه‌گذاری تولیدکنندگان در فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید نیز یافته‌های جالبی حاصل شد. وجود اشکالات اساسی در عرصه سیاست‌گذاری و حکمرانی تولید، ریسک بالای تولید، سود کم

تولید، فقدان ضمانت لازم در بازار، هزینه‌های گسترده تولید و همچنین اضطراب‌های شخصی از جمله موارد شناسایی به‌عنوان علل سرمایه‌گذاری تولیدکنندگان در فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید بود که در آزمون فرض انجام گرفته، فرضیات اشکالات عرصه سیاست‌گذاری و حکمرانی، ریسک بالا و هزینه گسترده تولید مورد تأیید قرار گرفت و به‌عنوان سه عامل اصلی سرمایه‌گذاری این افراد در فعالیت‌های غیرمولد رقیب تولید شناسایی شد.

در همین راستا، در پیمایش ملی که قصد سنجش نگرش‌های اقتصادی ایرانیان را دارد، در یکی از بخش‌های آن سؤالی را با عبارت «به نظر شما در شرایط امروز کشور از بین مواردی که می‌خوانیم، مطمئن‌ترین راه سرمایه‌گذاری کدام است؟» برای یافتن نگرش ایرانیان بیان می‌کند. در این پیمایش، افراد باید از بین چهار گزینه اصلی خرید ارز و طلا، سپرده بانک، خرید مسکن و زمین و به کار انداختن سرمایه در کسب‌وکار و سایر که سایر روش‌های سرمایه‌گذاری را در بر می‌گیرد، انتخاب نمایند. نتایج این پیمایش نشان می‌دهد که ۵۰ درصد پاسخ‌گویان به کار انداختن کسب‌وکار را انتخاب می‌کنند. افراد با تحصیلات پایین‌تر، سرانه درآمد و هزینه کمتر بیش از دیگران کسب‌وکار جدید را انتخاب کرده‌اند. اما ۴۳ درصد از افراد ثروتمند و بالانشین، «خرید زمین و مسکن» را مطمئن‌ترین شیوه سرمایه‌گذاری می‌دانند، درحالی که ۳۰ درصد از افراد پایین‌شهرنشین خرید زمین و مسکن را ترجیح می‌دهند. به‌لحاظ اقتصادی هرچه مردم کارآفرینی را بر سوداگری بیشتر ترجیح دهند، وضعیت اقتصاد بهتر خواهد شد. آنچه عموم مردم را به سمت سوداگری روی بازار ارز، طلا، مسکن و حتی سهام سوق می‌دهد، فضای بی‌ثبات و تورمی موجود است. با توجه به اینکه اقتصاد ایران نیز با تورم شدید روبه‌روست، جامعه با افت قدرت خرید روبه‌روست؛ به همین دلیل رفتارهای سوداگرانه در میان مردم رواج دارد. به‌طور سنتی ایرانیان اعتماد بیشتری به بازار مسکن برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری دارند، زیرا سپر خوبی برای تورم است؛ یعنی نرخ رشد مسکن معمولاً بیش از تورم است و دارندگان مسکن احساس می‌کنند که با این روش از تورم جا نمی‌مانند. درحالی که گذاشتن سرمایه و پول در حساب بانکی موجب می‌شود بازده واقعی فرد در اکثر سال‌ها منفی شود و قدرت خریدش به مرور زمان افت کند. مشکل جدی سرمایه‌گذاری در بازار مسکن آن است که نیاز مبرم به سرمایه اولیه بالایی دارد و این امر برای بخش‌های ضعیف‌تر جامعه که پس‌انداز کمتری دارند دشوارتر است. جامعه در پاسخ دادن به‌درستی، کمترین سهم را برای سپرده بانکی قائل شده است. نکته‌ای که در

پیمایش دیده می‌شود این است که هرچه سن بیشتر شده است، سهم سپرده بانکی بالاتر رفته است که با نظریه چرخه درآمد- پس‌انداز در طول زندگی سازگار است؛ چراکه براساس این نظریه افراد وقتی به سن سالمندی نزدیک می‌شوند، ریسک‌گریزتر می‌شوند و نقدشوندگی پس‌انداز برایشان اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت. نکته بسیار مهم دیگر در این پیمایش، وزن بسیار پایین ارز و طلا در پاسخ پاسخ‌گویان است؛ زیرا بازده طلا معمولاً بالاتر از مسکن بوده، ولی جامعه وزن کمتری به آن داده است (امیدی و همکاران، ۱۴۰۰).

نکته قابل توجه این است که وقتی مشاوران هاروارد برای مشاوره به متصدیان اقتصاد ایران در برنامه چهارم قبل از انقلاب به ایران آمدند، پس از مدتی به این جمع‌بندی رسیدند که مردم ایران، بیشتر تمایل به خریدوفروش و دلالتی زمین دارند و پس‌انداز و فعالیت خود را به جای معطوف نمودن به سمت سرمایه‌گذاری صنعتی و کالایی، روی زمین و مسکن متمرکز می‌کنند؛ به طوری که سرمایه‌گذاری و دلالت‌بازی روی زمین و مسکن، به رقیب سرمایه‌گذاری صنعتی بدل شده و آن را محدود کرده است. این درحالی است که دلالتی و سودآوری روز زمین و مسکن نسبت به دهه ۱۳۴۰ به مراتب بیشتر و شدیدتر شده است. وقتی سرمایه‌گذاری در مسکن، گاه بالای ۱۰۰ درصد سود عاید می‌کند، با وجودی که صنعت مسکن طبق اطلاعات و جداول داده- ستانده موجود، روابط پسین و پیشین نسبتاً خوبی با بخش‌های دیگر دارد و از دو مجرای سرمایه‌گذاری و خدمات مستغلات، ارزش‌افزوده کل را بالا می‌برد، اما وقتی عایدی بالای ۱۰۰ درصد در اقتصاد باب می‌کند، رقیب سرمایه‌گذاری صنعتی و صنعت می‌شود و عمده منابع را به سمت خود جذب می‌کند؛ لذا هزینه فرصت منابع را بالا می‌برد و با این عملکرد، زمینه رکود بخش مسکن فراهم می‌شود (شاکری، ۱۳۹۵). شاید بتوان علت چنین اتفاقی را از این‌رو دانست که عمده متقاضیان مسکن از مردم عادی و حتی گاه کارگران هستند که با افزایش قیمت مسکن، می‌توان شاهد کمبود تقاضای مؤثر مسکن نیز بود.

آنچه در این مرحله اهمیت دارد، آسیب‌شناسی بنیادین از فعالیت‌های اقتصادی است که به نوعی رقیب تولید بوده و حتی تولیدکنندگانی که دارای ظرفیت‌های خالی و نیازهای سرمایه‌گذارانه در شرکت‌های تولیدی خود هستند، ترجیح می‌دهند بخشی از این مبالغ را چه به عنوان پوشش‌دهی به ریسک و چه از جهت کسب سود بیشتر در زمینه دیگری سرمایه‌گذاری نمایند که خریدوفروش زمین و ملک به عنوان مهم‌ترین و در اولویت‌ترین

انتخاب افراد قرار گرفته است.

نکته جالب توجه این است که خرید و فروش زمین به عنوان شغل و مجرای کسب رانت‌های فراوان در نهایت به کاهش بهره‌مندی عوامل تولید مولد منتج خواهد شد. اگر در سال ده‌ها هزار میلیارد تومان روی خرید و فروش سوداگران زمین عاید شده‌ای شود، آنان با این درآمدها، بخش قابل ملاحظه‌ای از یک GNP را تصاحب می‌کنند. طبعاً بقیه یک مذکور باید میان عوامل ایجادکننده آن تقسیم و توزیع شود. مجرا و نحوه این انتقال اختلال‌آمیز درآمد هم این است که عوامل مولد وقتی با گرانی زمین و مسکن مواجه می‌شوند که در تولید ارزش‌های حقیقی نقشی نداشتند و یا به انحصارگران، واسطه‌گران و دلالتان بابت خرید مصارف خود و قیمت‌های بالا پرداخت کنند. افراد برای تأمین مسکن خود باید بخش زیادی از درآمدها را به کسانی بدهد که در تولید ارزش‌های حقیقی نقشی نداشتند و یا به انحصارگران، واسطه‌گران و دلالتان بابت خرید مصارف خود به قیمت‌های بالا پرداخت کنند. این موضوع، صرف‌نظر از جنبه‌های ارزشی آن، توزیع تابعی درآمد را بدتر می‌کند (شاکری، ۱۳۹۵).

در پایان باید بر این نکته تأکید شود که فهم پدیده به عنوان نقطه آغاز اصلاح، امری مهم است که ملاحظات مبنایی آن در این پژوهش نیز مورد توجه قرار گرفت. چالش‌های موجود در عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری از یک‌سو و فقدان امنیت روانی کافی در بین تولیدکنندگان نسبت به آینده تولید در کشور، موجب شده است که ظرفیت‌های تولیدی کشور دچار اختلال شود و حتی کسانی که از جهت علاقه و توان، واجد سرمایه‌گذاری‌های کلان و گسترده در امر تولید هستند، نسبت به این امر دچار تردید شده و در مقام عمل، بخشی از جریان سرمایه‌ای خود را به سمت کارهای نامولد رقیب تولید هدایت کنند.

منابع

- احراری رودی، محیی‌الدین. (۱۳۹۱). موانع تحقق تولید ملی و راهکارهای رفع آن‌ها در جهت حمایت از سرمایه و کار ملی، همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران.
- امیدی، رضا، روزخوش، محمد، سراج‌زاده، سید حسین، عزیزمهر، خیام، فلاح‌مین‌باشی، فاطمه و نصر اصفهانی، آرش. (۱۴۰۰). نگرش‌های اقتصادی ایرانیان (گزارش تحلیلی از یافته‌های یک پیمایش ملی). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- پوراحمدی، حسین و شم‌آبادی، محمد. (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر نظریه اقتصاد سیاسی اسلامی. چ ۱. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- پيله فروش، میثم. (۱۳۹۷). بررسی و نقد تجربه ایران، ژاپن، کره جنوبی، چین و آمریکا در حمایت از تولید ملی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حسن‌زاده، علی و پرنیان، احسان. (۱۳۹۸). فعالیت‌های نامولد رقیب تولید برخی تجربه‌های جهانی و راهکارهای مقابله با آن در ایران. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (مدظله العالی). (۱۳۹۱/۰۲/۱۰). بیانات در اجتماع کارگران کارخانه‌های تولیدی داروپخش. www.farsi.khamenei.ir
- خاندوزی، سید احسان. (۱۳۹۳). مصون‌سازی اقتصاد با رویکرد اقتصاد مردمی. مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۰۸.
- خاندوزی، سید احسان، فاضل‌فرد، زهرا و فتح‌الله بیاتی، محسن. (۱۳۹۶). اقتصاد سیاسی سرمایه‌گذاری در بخش‌های نامولد ایران. نشریه راهبرد توسعه، ۱۳ (۴)، ۲۲-۴۵.
- راغفر، حسین و سلطانی، احسان. (۱۳۹۶). سهم عادلانه عوامل تولید در اقتصاد ایران. همایش سهم‌بری عادلانه عوامل، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سیاح، سید امیر و شهبازی غیاثی، موسی. (۱۳۹۹). درباره جهش تولید: ۱. الگوی راهبردی حمایت از تولید در ایران، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- شاکری، عباس. (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران. ج ۱. تهران: نشر رافع.
- عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمد سعید، فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. نشریه اندیشه مدیریت راهبردی، ۵ (۲)، ۱۵۱-۱۹۸.
- گروه مشاوران مدیریت و مطالعات راهبردی تدبیر. (۱۳۹۷). حمایت از کالای ایرانی ضرورت‌ها و الزامات، از سری مباحث اقتصاد ایران، شماره ۱۴.
- محمدرولی، عبادالله. (۱۳۹۳). راهکارهای جهش تولید با تأکید بر نقش مرکز آمار ایران.
- محمدی متکازینی، سید علی و حسینی هرندی، سید محمدحسین. (۱۳۹۱). سیره حمایت از تولیدات ملی در سیره عالمان دینی و نخبگان ملی. قم: انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
- مؤمنی، حانیه سادات. (۱۳۹۸). اقتصاد مقاومتی در کشورهای پیشرفته با تأکید بر تولید ملی. ج ۳. تهران: انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).
- نوذری، حمزه. (۱۳۹۷). مسئله حمایت از تولید داخلی چالش‌ها و راهبردها. نشریه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۷ (۲)، ۲۰۱-۲۲۶.
- Bhagwati Jagdish, N. (1982). Directly Unproductive, Profit-Seeking (DUP) Activities. *Journal of political Economics*, 01 January 2017, 1-4, <https://www.jstor.org/stable/1837129>.
- Braun, V., & Clark, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101, doi.org/10.1191/1478088706qp0630a.
- North, Douglass C., Wallis, John Joseph, Weingast, Barry R. (2009). Violence and the rise of open-access orders. *Journal of Democracy*, 20(1), 55-68, doi: 10.30465/CRTLS.2022.37012.2283.

Identifying and prioritizing unproductive activities competing with production in Abhar

Mohammad Noruzi,^{1*} Ali Afshari²

Received: 12/06/2024

Accepted: 17/08/2024

Abstract

Identifying the unproductive activities of competing production is one of the necessary measures in the direction of developing national production and increasing domestic capacity, which on the one hand provides more opportunities for people to invest in the field of production. On the other hand, it prevents fluctuations and challenges of non-production origin in productive fields. In the current research, which was conducted with a qualitative-quantitative method, While identifying these categories of activities in Abhar city, they were prioritized from the point of view of the production field activists of this city. In order to collect data, in addition to library and document studies, interview tools and questionnaires were used, and in order to classify the interviews, thematic analysis method was used, and to check the hypotheses, a two-sentence test was used. The results of the research show that buying and selling real estate is the most important non-productive economic activity is the competitive production that is used by the producers of this city, while the problems in the field of politics and governance, high risk and extensive cost of production are the three main factors of these people's investment in non-productive activities. It has been a production competitor.

Keywords: Production, the unproductive activity of the competitor of production, National production, Production leap, production boom, Abhar city.

1. Faculty Member, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University (AS), (Corresponding author); Email: md.noruzi@gmail.com

2 Master of Islamic Studies and Industrial Management, Imam Sadiq University (AS), ali.afshari@isu.ac.ir